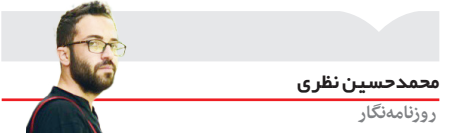


در آستانه سی و یکمین سال نامه تاریخی امام خمینی (ره)

به میخائیل گورباچف رئیس جمهور شوروی «فرهنگیان» بررسی کرد

نامه‌ای برای تاریخ



محمد حسین نظری

روزنامه‌نگار

انقلاب اسلامی اگرچه در یک محدوده جغرافیایی مشخص به نام ایران اتفاق افتاد، اما انقلابی در مقیاس عالم بود و پیامی جهانی داشت. اساسا نگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی این بود که انقلاب مردم ایران قیام علیه استکبار و استعمار جهانی است و رسالت آن اولاً تذکر به غفلت از معنویات و ثانیاً حمایت از مستضعفان و پابرهنگان عالم است. دعوت جهانی امام راحل پس از انقلاب نیز ادامه یافت و در برهه‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون و در سطوح متفاوت مطرح شد و به سرعت هم بر جان‌ها اثر کرد، به نحوی که متاثر از انقلاب اسلامی، نهضت‌های متعددی در منطقه و حتی در دهنه که این تفکر «جوابگوی هیچ‌نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست، چراکه مکتبی مادی است و با مادیت نمی‌توان بشریت را از عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است به در آورد.» در حالی که گورباچف با تمام قوا درصدد توافق با غرب و آمریکا بود تا شاید از این راه بتواند کشورش را از بحران نجات

برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جست‌وجو کرد... اگرچه در آن برهه روشن بود که شوروی وضع سیاسی مناسبی ندارد و با چالش‌های جدی روبه‌رو است، اما کسی تصور نمی‌کرد در دوره‌ای که رهبران این نظام در پایین‌ترین سطح نزاع با لیبرال دموکراسی هستند، نظام سیاسی این کشور فروپاشد و به کلی سقوط کند. اما امام (ره) در آستانه این فروپاشی خطر آن را گوشزد کرد و هشدار داد که دوام نظام شوروی در گرو تجدیدنظر در تفکر مارکسیستی رهبران این سرزمین است. با این حال بخش مهم‌تر پیام امام (ره)، فرازهایی با مضمون اعتقادی و توصیه به کنار گذاشتن مارکسیسم به‌عنوان پشتوانه نظری نظام سیاسی شوروی است. امام با انتقاد از مذهب مارکسیسم تذکر می‌دهند که این تفکر «جوابگوی هیچ‌نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست، چراکه مکتبی مادی است و با مادیت نمی‌توان بشریت را از عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است به در آورد.» در حالی که گورباچف با تمام قوا درصدد توافق با غرب و آمریکا بود تا شاید از این راه بتواند کشورش را از بحران نجات



کرد مخاطب نامه امام (ره) «همه اعصاب در طول تاریخ بود.» بر این اساس، در آستانه سی و یکمین سال سفر هیات اعزامی از طرف امام به مسکو و قرانت نامه تاریخی بنیانگذار انقلاب اسلامی در حضور رهبر حزب کمونیست شوروی بر آن شدید که برخی ابعاد مهم این رویداد را بازخوانی کنیم. آنچه می‌خوانید خلاصه‌ای از مهم‌ترین حوادث مرتبط با این حادثه تاریخی است.

نشد و حتی در پاسخ به امام هیاتی را به تهران و به نزد ایشان فرستاد تا پاسخ او را برای بنیانگذار انقلاب اسلامی قرانت کنند. اگر چه گورباچف در آن برهه متوجه پیام امام (ره) نشد، اما دوده بعد ضمن ابراز تاسف از بی‌اعتنایی به نامه ایشان، اعتراف کرد که اگر در مضمون آن نامه بیشتر تأمل می‌کرد، چه بسا کار او به شکست نمی‌انجامید. او آنچنان از این نامه متاثر شده بود که تصریح

دهد، بنیانگذار انقلاب اسلامی اشتباه محاسباتی او را متذکر شد و برای او نوشت که «مشکل اصلی کشور شما مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست.» بسیاری بر این عقیده‌اند که اقدام امام در ارسال این نامه به گورباچف و دعوت او به اسلام شبیه اقدام پیامبر اسلام (ص) و نامه ایشان به خسرو پرویز پادشاه ایران بود، اما گورباچف همچون پادشاه کسرا تند

سید احمد آقا گفت وصیتنامه‌تان را بنویسید و به شوروی بروید

گرفتند. پس از اتمام کار زمانی که به جماران مراجعه کرد سید احمد خمینی به او گفت که امام نامه‌ای برای گورباچف نوشته و از بین خانم‌ها او برای اعزام انتخاب شده است.

حدیدچی دباغ می‌گوید اگرچه آن وقت سوال‌هایی برای او پیش آمده بود، اما وقتی امام امر به کاری می‌کرد کسی از آن سوال نمی‌پرسید. بر اساس روایت این بانوی مبارز، از آن جهت که به‌تازگی قطعنامه تصویب شده بود و همه در اندیشه بازسازی کشور بودند، بسیاری فکر می‌کردند که امام به‌منظور استمداد به گورباچف نامه‌نویسه‌اند و قرار است کمک خارجی برسد. بر اساس این گمانه، برخی سوال می‌کردند که چرا امام یک کشور کمونیستی را برای کمک انتخاب کرده‌اند در حالی که از کشورهای توانمند و متمول اروپایی چنین درخواستی نشده است. فضا آنچنان سنگین بود که بر مبنای روایت حدیدچی سید احمد خمینی در فرودگاه رو به هیات ایرانی گفتند که وصیتنامه‌تان را بنویسید و بروید. ظاهر امام هم معتقد بودند که ممکن است

یکی از نکات مهم ماجرای نامه امام به گورباچف ترکیب هیات اعزامی به شوروی است. تیم سه‌نفره‌ای که یک عضو آن روحانی بلندپایه و استاد علوم دینی است، یک عضو آن استاد دانشگاه و دیپلمات سرشناس ایرانی است و یک عضو آن هم بانویی مبارز که مسئولیت‌هایی در کشور داشت. هنوز هم خیلی‌ها در رابطه با حضور مرضیه حدیدچی دباغ در هیات اعزامی سوال‌هایی دارند و از دلایل آن می‌پرسند. مرحوم حدیدچی دباغ خاطراتی از این سفر روایت کرده که نکات جالبی دارد. او آن زمان نماینده مجلس بوده و مسئولیت زندان‌های زنان استان تهران را نیز برعهده داشته است: «روزهای تعطیل مجلس هر روز به یکی از زندان‌ها سر می‌زدیم، یک روز که برای بازدید وارد زندان کوچوی شدم از بلندگو مرا صدا کردند، قدری نگران شدم و مراجعه کردم که مشخص شد مرحوم حاج احمد آقا تماس

حتی در بین اعضای هیات ایرانی هم جز آیت‌الله‌جوادی کسی نمی‌دانست که در نامه چه نوشته شده است. حدیدچی دباغ نقل می‌کند که «پس از پرواز هواپیما نماز ظهر را ظهر خواندیم و غذا خوردیم و سپس آیت‌الله‌جوادی آملی نامه را دادند که ما بخوانیم. وقتی نامه را خواندیم، دیدیم اصلاً نامه حال و هوای دیگری دارد و نامه‌ای نیست که مثلاً درخواستی شده باشد، اما این نامه در رابطه با خدا و پیغمبر و انسانیت و این مسائل است و ربطی به مسائل مملکتی و دفاع مقدس ندارد.»

حدیدچی می‌گوید سال‌ها بعد زمانی که برای انجام معالجه به انگلستان رفت؛ با دو جوان دانشجوی صحبت کرده که می‌گفتند با پیام امام خمینی (ره) به گورباچف، مسلمان شدند و نامه حضرت امام (ره) را از نظر جامعه‌شناسی برای پایان‌نامه خود انتخاب کرده بودند.

پیامی که سانسور شد

سیاسی و اطلاعات عمومی چیزی از فلسفه و روح مردم ایران نمی‌دانست، بنابراین طبیعی است که پیام را درست درک نکرده باشد و در نتیجه حاضر نشد که تیزهوشان شوروی را به قم بفرستد.»

استولانا راوندی، عضو هیات‌علمی بخش ایران‌شناسی در موسسه شرق‌شناسی مسکو هم گفته که در آن زمان پیام را نشنیده و در روزنامه‌های آن زمان هم نامه امام اصلاً منتشر نشده است. ظاهر متن نامه امام تنها پس از فروپاشی شوروی منتشر شده و این نامه در کتاب «امام خمینی؛ راهی به سوی آزادی: سخنرانی‌ها و مواعظ» به چاپ رسیده است. مولف این کتاب خانم «لودمیلا یوگی نوا آودی یوا»، عضو اتحادیه بین‌المللی نویسندگان روسیه است و با کمک رابرتی فرهنگی ایران در روسیه منتشر شده است. یلنا ویکتورنا دونایوا، استاد انستیتو شرق‌شناسی مسکو نیز نوشته است که در آن زمان صرفاً خبر ارسال نامه منتشر شد و اطلاع دادند که مسائل مربوط به روابط دو کشور در این نامه مطرح شد و حتی در محافل ایران‌شناسان هم موضوع طرح نشد. او نوشته است که شاید در پشت درهای بسته این موضوع بررسی شده باشد اما حتی برخی اعضای حزب کمونیست هم چیزی از محتوای دقیق نامه نشنیده بودند. طرح این نامه از سال‌های ۱۹۹۵ به بعد بوده که از طرف ایرانیان در نشست‌های ایران‌شناسان روس مورد بحث قرار گرفت.

هیات ایرانی صحبت را با تبریک سال نوی میلادی آغاز کرد

جست‌وجو کرد. در این لحظه رنگ چهره گورباچف تغییر کرد و سرخ شد اما همچنان بادقت به متن پیام گوش می‌داد و همراه با دستیاران و مشاورانش یادداشت‌هایی برمی‌داشت. پس از اتمام قرانت نامه نیز گورباچف از این پیام تجلیل و تأکید کرد که ما برخی اشتباهات گذشته را ترمیم خواهیم کرد تا بار دیگر مبتلا نشویم. اما آیت‌الله‌جوادی معتقد است که همان وقت هم معلوم بود گورباچف پیام نامه را دریافت نکرده است. به‌زعم ایشان پیام امام خمینی (ره) دعوت به اسلام بود و در آن بحث پیرامون مسائل سیاسی روز چون قطعنامه یا آتش‌بس در کار نبود. آیت‌الله‌جوادی در پایان دیدار با گورباچف نیز خطاب به او گفته بود که پیام نامه و «سخن این رهبر الهی این است که مرگ پایان کار نیست، بلکه شما هستید و ابدیت اندیشه، افعال و اوصاف‌تان که باید به فکر آنها باشید.»

آیت‌الله‌جوادی آملی به‌عنوان سرپرست هیات سه نفره‌ای که در دی ماه ۱۳۶۷ به‌منظور ابلاغ پیام امام (ره) به گورباچف عازم مسکو شدند، روایتی از این سفر را در کتاب «مهر استاد» آورده‌اند. ایشان معتقدند که بر مبنای «العلماء ورثة الانبیا»، امام (ره) نیز بر سبیل پیامبران درصدد دعوت جهانیان به اسلام بودند و اصلی‌ترین دلیل نوشتن نامه به گورباچف نیز رسالت انبیایی امام خمینی بود. به‌زعم آیت‌الله‌جوادی، امام پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در نامه‌های خود مردم را به تشکیل حکومت اسلامی فرامی‌خواندند و پس از پیروزی انقلاب نیز این کار را ادامه دادند و در این امر به مرزهای کشور بسنده نکردند. این استاد حوزه و مرجع تقلید شیعیان همچنین در باب اهمیت شأن تبلیغی این نامه نوشته است امام تأکید داشتند که پیام حتماً برای گورباچف خوانده شود تا مطمئن آن به فرصت دیگر محول نشود و نامه جمله به جمله برای او قرأت و ترجمه شود و اگر احتیاج به استدلال و توضیح بود همانجا ارائه شود.

نامه از جهت تبلیغی آنچنان مهم بود که هیات سه‌نفره یک نسخه انگلیسی از آن را نیز با خود بردند، چراکه هرچند مخاطب اصلی پیام رهبر جماهیر شوروی بود، اما پیام امام تنها به او اختصاص نداشت و در حوزه‌ای وسیع‌تر ابلاغ می‌شد. روایت آیت‌الله‌جوادی از جلسه قرانت نامه هم جالب است. ایشان در کتاب مهراستاد نوشته است که وقتی هیات ایرانی به مسکو رسید، استقبال مودبانه و محترمانه‌ای انجام شد و پس از آن گورباچف اعلام کرد که ما با داشتن تفکرات گوناگون می‌توانیم زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار هم داشته باشیم و چون شما برای ابلاغ پیام مهمی آمده‌اید، وقت‌تان را نمی‌گیرم و فرصت را در اختیار شما می‌گذارم. «هیات ایرانی هم صحبت را با تبریک سال نوی میلادی آغاز کرد و در ادامه نامه امام، جمله به جمله خوانده و ترجمه شد. آیت‌الله‌جوادی درباره فضای مجموعه در هنگام قرانت نامه نوشته است: «کار قرانت پیام و ترجمه آن یک ساعت به طول انجامید و در این مدت گورباچف در کمال ادب گوش می‌داد.»

ظاهراً در جریان قرانت نامه دو دفعه گورباچف از حال عادی خارج شد. یکی زمانی بود که امام فرمود: «دیگر کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ

پاسخ گورباچف و ناامیدی امام

هشت هفته پس از بازگشت هیات ایرانی از مسکو، ادوارد شوارز نازده از طرف گورباچف مامور شد پاسخ او به امام خمینی (ره) را به تهران ببرد. در دیدار هیات روس با امام خمینی، غیر از سید احمد خمینی، علی‌اکبر ولایتی و محمدجواد لاریجانی و علیرضا نوبری نیز حضور داشتند. نامه گورباچف اگرچه بسیار محترمانه بود و تقدیرهای مکرر او از امام خمینی را به همراه داشت، با این حال مشخص بود که رهبران کمونیست شوروی منظور امام از ارسال نامه را به‌درستی دریافت نکرده و مفاهیم عمیق آن را نفهمیده‌اند. موضوعی که امام خمینی نیز در پایان قرانت نامه به آن اشاره و تأکید کردند که «به ایشان بگویید من می‌خواستم جلوی شما فضای بزرگ‌تر باز کنم، من می‌خواستم دریچه‌ها به دنیای بزرگ یعنی دنیای بعد از مرگ را که دنیای جاوید است برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند.» وزیر خارجه شوروی مشابه اقدام هیات ایرانی به تقدیم نامه بسنده نکرده و متن آن را تا انتها برای امام خمینی (ره) قرأت کردند. او در ابتدا تأکید می‌کند که شوروی معتقد است روابط دو کشور در حال ورود به مرحله جدیدی است و با وجود اختلاف حزب کمونیست شوروی آماده همکاری در زمینه‌های مختلف با ایران است. فرستاده ویژه گورباچف با اشاره به ملاحظات عمیق امام در نامه‌اش برای رئیس‌جمهور شوروی اضافه کرد که گورباچف عقیده دارند که ما در مهم‌ترین مورد اتفاق نظر داریم یعنی انسان‌ها باید یاور یکدیگر باشند تا بشریت فنا ناپذیری به خود بگیرد. چنانچه انسان‌ها متحد نشوند خطر فاجعه برای بشریت وجود دارد، چون امکانات بالقوه برای به وجود آوردن چنین فاجعه



نامه امام به گورباچف در همان وقت بازخوردهای مهم و قابل‌تأملی داشت. در داخل روسیه با اینکه دستگاه سانسور حزب کمونیست مانع از بازنشر اصل نامه شده بود و خبر چندانی هم از آن جلسه بیرون نیامد، با این حال زمانی که مضمون نامه به گوش جامعه شوروی رسید، واکنش‌های جدی به همراه داشت. ولادیمیر ایوانف، استاد وقت دانشگاه دولتی مسکو در این رابطه مطالبی را نقل کرده که نشان از اهمیت و تأثیر نامه امام (ره) دارد. او نقل کرده که پس از ابلاغ این نامه به گورباچف، چند روز بعد متن نامه از طرف وزارت خارجه به دست او رسید. وقتی نامه را خواند این‌طور احساس کرد که امام به دنبال سعادت مردم شوروی بودند و راهی جز ارسال پیام به گورباچف نداشتند تا اظهارات‌شان را با مردم شوروی در میان بگذارند. او می‌گوید: «یکی از مشکلاتی که هر کسی پیام [امام] خمینی را به دست می‌گیرد با آن مواجه می‌شود این است که پر از فلسفه است و وقتی ترجمه پیام را به دست گورباچف داده بودند این ترجمه را با عجله تهیه کرده بودند و شاید بعضی از اصطلاحات را خوب ترجمه نکرده بودند.» به‌زعم او گورباچف ایران‌شناس نبود و غیر از مطالعات

توسط خود انسان‌ها ایجاد شده است. او درباره یکی از مهم‌ترین بخش‌های نامه امام نیز خطاب به بنیانگذار انقلاب اسلامی گفت: «دعوت جنابعالی برای انجام سفر به قم به آگاهی علمای اسلام کشور ما رسید، تردیدی نداریم که آنها از این دعوت جنابعالی استفاده خواهند کرد.» اتفاقی که هرگز نیفتاد و شواهد هم حاکی است که این بخش از نامه امام برای گورباچف و حزب کمونیست چندان خوشایند نبود. شوارز نازده در کتاب خاطرات خود درباره سفر به ایران و جلسه با امام خمینی نوشته است که وقتی به جماران رسیدم و وارد اتاق شدم «گفتم سلام، و به‌طور خلاصه آنچه را گورباچف در پاسخ خود به نامه امام نوشته بود خواندم و به مدت ۱۵ دقیقه به من گوش دادند. گاهی اوقات به من سر تکان دادند و سپس به تفکر عمیق فرو رفت و گفت: من ناامید شدم. من شنیده بودم که گورباچف آدم اهل فکری است. نامه من در مورد جایگاه انسان در این دنیا و در آخرت بود. من در مورد مشکلات این جهان فکر نمی‌کنم. من در مورد جهان دیگر فکر می‌کنم و در مورد سوال خود هیچ پاسخی دریافت نکردم.»

عبدالکریم بی‌آرز شیرازی نقل می‌کند که سال‌ها بعد وقتی به همراه چند نفر برای ارائه یک مقاله به گرجستان رفت، ملاقاتی با شوارز نازده داشت که پس از فروپاشی شوروی رئیس‌جمهور گرجستان شده بود. در آن دیدار او به بی‌آرز شیرازی گفت که: «برداشت من از [امام] خمینی این است که ایشان یک ابرمرد تاریخ بود، شخصیت بزرگی بود.»